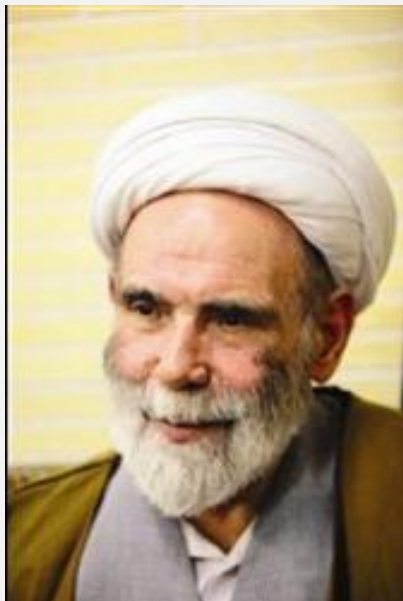


شرح حدیث: اوصاف مؤمن

رُوی عن علیّ علیه السلام قال: لمؤمن دأبه زهادته و همّه دیانتّه و عرّه قناعتّه و جدّه لآخرته، قد کثرت حسناته و علت درجاته.



رُوی عن علیّ علیه السلام قال: لمؤمن دأبه زهادته و همّه دیانتّه و عرّه قناعتّه و جدّه لآخرته، قد کثرت حسناته و علت درجاته.

ما در باب اوصاف مؤمن روایات متعدده داریم؛ اوصاف متعدده‌ای هم برای مؤمن نقل می‌کنند که انسان با توجه به این اوصاف خودش می‌تواند تشخیص بدهد که مؤمن هست یا نیست. در این روایت که از امیرالمؤمنین (ع) منقول است حضرت چند صفت را برای مؤمن می‌فرماید. اول: «المؤمن دأبه زهادته». دأب یعنی خو، عادت. به تعبیر ما فرق بین خو و عادت و غیر آن، این است که به‌طور بسیار آسان یک روش و کار را بدون سختی انجام دهد.

می‌فرماید مؤمن دأب و روش و خو و عادتش یک عادت این‌طوری است که زاهدانه است؛ یک آدمی نیست که از نظر دلبستگی‌اش به دنیا، طوری باشد که اگر مثلاً فرض کنید چیزی از امور دنیایی از دستش برود، فشاری رویش بیاید و ناراحت بشود یا اگر دنبالش باشد به آن نرسد. توجه کنید از نظر درونی. از نظر ظاهری هم چون لوازم وجودی‌اش به قول ما این است که با یک روش ساده‌ای زندگی را می‌گذراند و هیچ ناراحت هم نمی‌شود. عمده این است. ناراحت هم نیست اصلاً و ابداً. دأبش این است. خود ما هم این اصطلاح را به کار می‌گیریم؛ فلانی دأبش این است. یعنی معمولی است برایش. «المؤمن دأبه زهادته»؛ مؤمن این‌طوری است اصلاً؛ بدون فشار، بدون ناراحتی.

2- «و همّه دیانتّه»؛ آنچه مشغولیت ذهن برایش می‌آورد امور دنیایی نیست. هم و غم او آخرتش است. نکند آنجا در خطر بیفتد. اگر اینجا در خطر بیفتد توجه نمی‌کند. «و همّه دیانتّه»؛ دنبال این است که یک وقت نکند ضربه دینی به او بخورد. از دنیایش ساییده بشود مهم نیست، از دینش ساییده نشود. نکند یک واجبی را ترک کند، نکند یک وقت دستش آلوده به گناهی شود. هم و غم او دینش است.

«و عرّه قناعتّه»؛ مؤمن از آنهایی نیست که خیال کند عزت با مال و ریاست به دست می‌آید. خصوصاً امور مالی. نه! او عزت را در قناعت می‌بیند. این را عزت می‌بیند. یعنی به آنچه خدا داده است راضی است. به حسب ظاهر، معمول، طبق موازین شرعی کارش را می‌کند. آنچه را که خدا روزی او کرده قسمت او کرده، به همان می‌سازد. عزت را در ثروت نمی‌بیند.

«و جدّه لآخرته»؛ حضرت از نظر خارجی وارد می‌شود. کوشش او یعنی تلاش بیرونی‌اش برای آخرتش است. آنها همه درونی بود؛ هر سه‌تایی که حضرت فرمود دأب و هم و عزت همه درونی بود. حالا آمد بیرونی. کوشش بیرونی‌اش برای آخرتش است. بعد می‌فرماید: «قد کثرت حسناته» چون کوشش او روی آخرتش است لذا ضریب حسناتش می‌رود بالا. نتیجه‌اش این است دیگر. بسیار خوب. حالا حسنات رفت بالا چی می‌شود؟

«و علت درجاته». وقتی حسنات رفت بالا خودش هم می‌رود بالا. چقدر زیبا امیرالمؤمنین می‌فرماید. حسنات رفت بالا زیاد شد، آن زیاد می‌شود و این بالا می‌رود. کثرت در آن به کار برده. حسناتش که زیاد شد او درجاتش بالا می‌رود. اینجا مرتبه‌ای بلند پیدا می‌کند. توجه کنید. اگر بخواهد علوّ درجات پیدا کند می‌فهمد با کثرت حسنات است.